

کتاب تقدیر شده بیستمین دوره انتخاب
بهترین کتاب دفاع مقدس

تقدیم به علمدار بی دست کر بلا،
استاد ادب و جانبازی و سرآمد عشقبازان بازار عاشقی نینوا،
به تمنای اینکه بادست‌های بریده‌اش دستگیر این عبد گرفتار خدا شود.



حکایت زخم‌ها

روایت زخم‌های چهار جانباز مدافع حرم
لبنانی، افغانستانی، پاکستانی و ایرانی
به قلم الهه آخرتی



انتشارات روایت فتح

هرگونه بهره‌برداری متنی، صوتی، تصویری و نرم‌افزاری
(شبکه‌های اجتماعی، یادگست و ...) از کل اثر مجاز نیست
(استفاده تبلیغی و ترویجی کوتاه بلامانع است).

حکایت زخم‌ها

روایت زخم‌های چهار جانباز مدافع حرم لبنانی، افغانستانی، پاکستانی و ایرانی
به قلم و پژوهش الهه آخرتی

زیت - اپ دوم، ۱۴۰۳، شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه

مجله جلد: جعفر پیشه (صریر)

ویراستار: فاطمه السادات حیاتی طهرانی

شابک: ۹۷۸-۶۰۳۳۰۰۷۱-۹

قیمت: ۱۸۰۰۰ تومان

در این کتاب املای واژگان، دست خط فرهنگستان زبان و ادب فارسی است.

آخرتی، الهه، ۱۳۶۹-

حکایت زخم‌ها: روایت زخم‌های چهار جانباز مدافع حرم لبنانی، افغانستانی، پاکستانی و ایرانی به قلم
الهه آخرتی؛ ویراستار فاطمه السادات حیاتی طهرانی.
تهران: انتشارات روایت فتح، ۱۴۰۳، ۲۶۴ ص.

ISBN: 978-603300071-9

وضعیت فهرست نویسی: فیا

عنوان دیگر: روایت زخم‌های چهار جانباز مدافع حرم لبنانی، افغانستانی، پاکستانی

موضوع: جانبازان -- سوریه -- خاطرات

موضوع: Disabled veterans -- Syria -- Diaries

موضوع: سوریه -- تاریخ -- جنگ داخلی، ۲۰۱۱ م. -- خاطرات

موضوع: Personal narratives -- Syria -- History -- Civil war -- ۲۰۱۱

ردبندی کنگره: DS۱۸/۶

ردبندی دیویی: ۹۵۶/۹۱۰۴۲

شماره کتابشناسی ملی: ۸۴۱۵۶۸۹

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیا

دفتر: ۸۸۸۰۹۷۴۸، فروشگاه: ۸۸۸۹۷۸۱۴، پخش: ۸۸۸۵۳۹۰۸

نشانی: تهران، میدان فردوسی، خیابان شهید سپهبد قمری، شماره ۱۶

www.revayatfath.ir

❖ مقدمه نویسنده

پیش از این، تجربه گرانبهای دهه هشتاد و هشت ساله مان به ما ثابت کرده بود جایی که خداوند قادر مطلق و بدور کننده بی چون و چرای حوادث عالم است، چگونه تمام بدخواهی های دشمنان، با دناات خود رنج و دردهای بی شماری بر مردم صبور ایران اسلامی مان تحمیل کرده بودند، در حضور چاره سازی حضرت حق رنگ می باز دو از معرکه ای که به نفع نابودی حرکت عاشورایی مردمان این دیار برپا شده بود خیرات و برکاتی سیراب تصور عاید می شود تا آن گونه که دنیا شاهدش بود یک تهدید جهانی به فرصتی بی بدیل برای توانمندسازی، ریشه دار شدن امنیت کیان ایران اسلامی و چند برابر شدن قدرت منطقه ای و بین المللی مان در تمام عرصه ها تبدیل شود.

با شعله ور شدن آتش فتنه ای که به گمان محاسبه گران خدا ناباور باید نفّس طلایه داری اسلام ناب محمدی در منطقه را می گرفت و کار را تمام می کرد هم یک بار دیگر همان طور که همیشه گفته اند تاریخ تکرار شد و میدانی که

قرار بود نقطه پایان آزادی خواهی و مقاومت در منطقه باشد به نقطه عطف تبدیل شد تا جبهه‌های پراکنده در جغرافیای کشورهای مختلف یکی شود، قلب همه مقاومتان تسلیم‌ناپذیر به هم پیوند بخورد و دست مدافعان حریم انسانیت، آزادی و بندگی خالق متعال در دست هم قرار گیرد و با پشت پا زدن به تمام مرزبندی‌های اعتباری قومی، نژادی و زبانی، سدهای خودساخته بشر برای متفرق کردن انسان‌ها و برچسب‌دار کردن انسانیت با اعتباراتی دون شأن در هم کوبیده شود و بنیانی مرصوص و واحد برای دفاع از مقام حقیقی خلیفه الله انسان تشکیل شود.

بدون شک علی‌رغم تمام مبراحت‌هایی که در این رویارویی، بر پیکر دردکشیده، اما سر بلند، و روح جردیده، ولی شکست‌ناپذیر مقاومت وارد آمد، محصول فتنه اخیر که با ایمان و از خودگذشتگی تک‌تک زنان و مردانش به دست آمد، در گریه‌های اتحاد و یکرنگی بود که تمام پیش‌بینی‌های دشمن را نقش بر آب کرد. اتحادی که می‌شود سال‌ها در خصوص ابعاد مختلف آن مطالعه کرد و کتاب‌ها نوشت. هدف از گردآوری این کتاب، فقط برداشتن یک گام در این مسیر و نمایش کوچکی از تابلوی رنگارنگ و امیدبخش وحدت میان اقشار و اقوام مختلف امت اسلامی در مواجهه با یک شرارت بین‌المللی بوده است. صحنه‌ای که با قدری نور تاباندن بر آن، به ما نشان می‌دهد چطور تفاوت‌ها و تعصب‌ها رنگ می‌بازند تا انسانیت و یکرنگی بماند، انسان‌ها به زبان مشترک ایمان برسند و با اتحاد، برای رسیدن به آینده‌ای روشن، در حضور باقی‌مانده، برای اهل زمین تلاش کنند. به همین منظور برای نخستین بار در یک

مجموعه، پای حکایت زخم‌های چهار جانباز مدافع حرم نشستیم که خود را از گوشه‌گوشه جغرافیای ایمان به سنگر دفاع رسانده بودند تا هر کدام با زبان خود برای مان از چگونگی مصاف‌شان با دشمنی مشترک بگویند و خاطرات فراموش‌نشدنی روزهای دفاع از کیان اسلام و انسانیت و آزادگی را روایت کنند.

پیش از هر چیز یاد را برای این توفیق و دستگیری‌های کریمانه‌اش در به‌ثمر رسیدن تلاشی که در تمام ده‌های بی‌دریغش ممکن و میسر نمی‌شد، سپاس می‌گوییم و یک‌بار دیگر به خودم یادآوری می‌کنم که هر چه دارم از او و هر چه رقم خورده دست او است. بعد از آن لازم می‌بینم بنا بر روایت درخشان «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق» (کسی که در مقابل نیکی‌های مردم شکرگزار نباشد، شکرگزار خالق) و شکرگزار خدای تعالی و عزم‌های مقدس و مخلصی که در مسیر دوساله گردآوری و نشر این کتاب همراهی‌ام کردند، تشکر کنم که بدون پاسداشت زحمت‌شان حق طلب را در خصوص مقدمات تهیه این اثر ادا نکرده‌ام.

در گام اول، جایی که لازم بود روزها در ضاحیه جنوبی بیرجند، پای گرفتن مصاحبه‌های بخش لبنان مهمان صمیمیت و مهمان نوازی خانواده برادر بزرگوار جانباز، محمد علوش و همسر عزیزشان نور حمد شوم، خواهر نازنینم، سارا اسادات عاشور، با همراهی از سر لطف و صادقانه‌اش بهترین کمک حال بود تا مصاحبه‌ها هر چه بهتر انجام شود و به سر منزل مقصود برسد. مهمی که با بزرگواری دوست عزیزم، خانم غدیر عمرو، تکمیل و به ضبط ساعت‌ها مصاحبه با خانواده علوش منجر شد. در

مرحله پیاده‌سازی کتاب هم با توجه به کمبود وقت، مشارکت مخلصانه و مهربانی‌های خواهر خوبم، خانم دینا نصرالدین، که پیاده‌سازی حدود یک‌سوم از مصاحبه‌ها به زبان فارسی، و برادر بزرگوار جناب ربیع نورالدین، که پیاده‌سازی بخش دیگری از کار را عهده‌دار شدند، بسیار مفید و تعیین‌کننده بود تا در کنار بخشی که شخصاً مشغول ترجمه و پیاده‌سازی‌اش بودم، تمام مطالب مربوط به لبنان در کمترین زمان ممکن به شکل نام پیاده و آماده نگارش شود. بدون شک قدردانی‌های بخش لبنان جز با شکر صمیمانه از همراهی دلسوزانه سرکار خانم فاطمه میرزاده، که عمری است وقت خود را صرف تعالی فرهنگ و ادب این مرزو بوم (یعنی ایران) در لبنان می‌راند، کامل نمی‌شود.

در دومین گام امکان بهره‌گیری از خاطرات برادر جانباز افغانستانی، جناب آقای ضیاء خدا بخشی (که برای بهره‌نبردن امنیت و آرامش خانواده‌شان در افغانستان از انتشار تصاویرشان در بخش پایانی کتاب معذوریم) با راهنمایی دوست گرانقدرم، خانم نرگس قشلاقی و همکاری ارزشمند جناب آقای بیات و خواهر عزیزم سلیمه جعفری فراهم شد. به این دلیل از آن بزرگواران ممنون و متشکرم.

ثبت و ضبط خاطرات برادر جانباز پاکستانی‌مان، گام سوم بود که با هدایت مشفقانه استاد بزرگوار و دلسوز، جانباز گرانقدر دوران دفاع مقدس، جناب آقای حمید داودآبادی، و جمعی از دوستان و همکاران‌شان (که در اینجا نیز از ذکر اسامی آن بزرگواران به خصوص برادران پاکستانی‌ام معذورم) برداشته شد که مراتب قدردانی قلبی خود را از تک‌تک‌شان ابراز می‌کنم.

همین جا ذکر این نکته را هم ضروری می‌دانم که با توجه به وضعیت خاص امنیتی زینبی‌ها در کشور پاکستان، تمام اسامی ذکر شده در خاطرات جانباز گرانقدر پاکستانی استعاری است و عمدتاً در این بخش از ارائه برخی توضیحات و اطلاعات دقیق‌تر و ذکر جزئیات در خصوص بعضی موارد پرهیز کرده‌ام و به کلی گویی پرداخته‌ام.

در چهارمین آخرین گام هم با پیگیری‌های مجدانه و مخلصانه دوست نازنینم، خانم 'اله' سام خانی، و همسر محترم‌شان و نهایتاً راهنمایی پدر بزرگوار شهید مصطفی بزرزاده و همکاری تعیین‌کننده پدر بزرگوار شهید محمدحسین حدادیان، امکان استفاده از محضر برادر بزرگوار و جانباز گرانقدر، سردار رضا سلمانی فراهم شد، تا با وجود وضعیت سختی که بیماری کرونا بر فضای مصاحبه‌ها تسبیل کرد و محدودیت‌هایی که باعث شرمندگی مان در مسیر ثبت و ضبط خاطرات شنیدنی‌شان شد، ایشان برای مان در خصوص بخشی از خاطرات پربار و ارزشمندشان بگویند و مرحله تحقیق و پژوهش کتاب به پایان برسد.

ضمن تشکر مجدد از تک‌تک این عزیزان و تمام بزرگواران دیگری که در گردآوری و عرضه این خاطرات نقش داشته‌اند، به خصوص سرکار خانم فرزانه مردی با همراهی‌های ارزشمندشان، تنها می‌توانم از صاحب اصلی اثر، علمدار دشت نینوا، که این کتاب پیشکشی ناقابل به آستان بی‌بدیل‌شان است، تقاضا کنم مزد زحمات بی‌چشمداشت این بزرگواران را بهره‌مندی از دعای مستجاب‌شان قرار دهند، ان شاء الله.

در پایان ذکر این نکته را نیز الزامی می‌دانم که برای حفظ تفاوت‌های زبانی

و فرهنگی در هر بخش، وفاداری به ادبیات راوی و به کارگیری گروه خاصی از کلمات سرلوحه کار بوده است و نبود یکپارچگی زبان گفتاری متن در بخش‌های مختلف، عامدانه و به همین دلیل اعمال شده است.

ان شاء الله که خون شهدایی که نام و یادشان در صفحات کتاب جاری است و پایمردی‌های این جانبازان بزرگوار، برکت قلم برای مفید واقع شدن کتاب باشد.
الهه آخرتی

www.ketab.ir